



مسکو می‌تواند در مناقشه چین-آمریکا دستاوردهایی کسب کند

بادبان‌های روسیه به کدام سمت برافراشته خواهند شد؟

۹۰ میلادی بسیاری از تجار و بازرگانان صنعت انرژی و فلزات سنگین مانند فولاد از روسیه به نیویورک مهاجرت کرده و سرمایه خود را در بورس وال استریت تزریق کردند. حتی آسمانخراش‌ها و واحدهای اشرافی املاک دونالد ترامپ صاحبان روس را در خود جای داده‌اند.

۴۰۱- نقش رژیم صهیونیستی و یهودیان

این اغراق نیست اگر بگوییم جمعیت زیادی از شهروندان رژیم صهیونیستی و پایتخت این رژیم یعنی تل‌آویو را یهودیان روس تشکیل می‌دهند. حتی سرمایه‌دارانی که در موارد فوق ذکر شد، عمدتاً پیروی روس تبار هستند. فراموش نکنیم که اتحاد جماهیر شوروی یکی از اولین کشورهایی بود که در رای گیری شورای امنیت سازمان ملل در اواخر دهه ۴۰ میلادی رای مثبت به تشکیل رژیم صهیونیستی داد. بسیاری بر این عقیده هستند که در آن زمان شوروی با گرفتن فرمول و دانش ساخت بمب اتم از یهودیان، این لطف آنها را این گونه در رای گیری جبران کرد. در سال‌های اخیر روسیه قراردادهای نظامی در زمینه ساخت پهپادهای پیشرفته و فناوری‌های جنگ سایبری و الکترونیکی با رژیم صهیونیستی منعقد کرده‌است و نزدیکی زیادی بین این دو کشور در عرصه‌های نظامی وجود دارد. تل‌آویو نیز بزرگ‌ترین متحد خاورمیانه‌ای غرب است و همین‌طور از نظر ایدئولوژیکی با مسیحیان اناجلیست و تبشیری در آمریکا نقاط اشتراک بی‌شماری دارد. علاوه بر این، لابی یهودیان در آمریکا قدرتمندترین لابی در این کشور است. پس می‌توان نقش رژیم صهیونیستی و یهودیان در این میان را برای پل ارتباطی و معنوی بین ایالات متحده و روسیه بسیار مهم تلقی کرد.

۲- منافع مشترک بین روسیه و چین برای مهار غرب

علی‌رغم تمام نقاط مشترک بین غرب و روسیه، روسیه می‌تواند نگاهی برادرانه به چینی‌ها هم داشته باشد. به هر سویی، چین یکی از همسایگان روسیه است و دو کشور از نظر مسائل فرهنگی و اجتماعی دارای اشتراکات فراوانی هستند. هر دو کشور حاکمیت‌هایی تمامیت‌خواه و رادیکال دارند. آزادی‌های مدنی و اجتماعی مانند اروپا و آمریکای شمالی در این کشورها به آن سبک و سیاق تعریف نشده است. چین هنوز هم از نمادها و تندیس‌های مارکسیستی استفاده می‌کند، تنها حزب حاکم در این کشور حزب کمونیست است. دشمن و هدف اول چینی‌ها غرب است و این دقیقاً همان چیزی است که دهه‌ها روس‌ها دنبال می‌کردند.

۱-۲- قدرت اقتصادی چین در کنار توانمندی‌های نظامی روسیه

چین و روسیه می‌توانند مکمل یکدیگر باشند. چین شانه‌به‌شانه ایالات متحده در بحث اقتصادی ورشد سرمایه درحال حرکت است. از شرق آسیا گرفته تا خاورمیانه و شمال و مرکز آفریقا تا آمریکای جنوبی تحت تاثیر این رشد اقتصادی چین هستند. پروژه احیای جاده ابریشم چین خود گواه همین حقیقت است. چینی‌ها دقیقاً همان مدل استعماری هلندی‌ها در قرن هفدهم و هجدهم میلادی را درپیش گرفته‌اند؛ استعمار از نوع مالی. روسیه همچنان از نظر نظامی و موشک‌های بالستیک قاره‌پیما و جنگ‌افزارهای اتمی یک ابرقدرت محسوب می‌شود. روسیه می‌تواند وزنه سخت این اتحاد و چین وزنه قدرت نرم آن باشد. اتحاد این دو می‌تواند مشکلات و دغدغه‌های زیادی را برای آمریکایی‌ها ایجاد کند.

۳- روسیه فروشنده دوره گرد

فرض سومی هم می‌تواند وجود داشته باشد. روسیه می‌تواند از این آب گل‌آلود به‌خوبی ماهیگیری کند. نزاع و رقابت بین غرب و چین کمونیست می‌تواند زمانی مناسب را برای روسیه فراهم کند تا با گرفتن امتیازات از هر دوطرف منازعه، برای خود منافع اقتصادی، سیاسی و امنیتی تولید کند. یک نمونه از آغاز این ماجرا می‌توان به همین لغو تحریم‌های آمریکا در باره پروژه انتقال انرژی نورد استریم ۲ اشاره کرد. روس‌ها می‌توانند در این بین شعله هر طرف مورد بحث را در زمان‌های نیاز زیادتر کنند. مثلاً در برخورد با چینی‌ها، از وجود آمریکایی‌ها بهره جسته و انرژی خود مانند نفت، گاز و زغال سنگ را به چین درحال رشد بفروشند. از طرف دیگر در زمان مذاکره با آمریکایی‌ها با ایجاد هراس و ترس از رشد چین، از آمریکایی‌ها امتیازات امنیتی و نظامی مانند توقف حرکت ناتودر مرزهای شرقی اروپا را طلب کنند.

در نهایت اگر به نقشه سیاسی و اقتصادی جهان در این روزها نگاه ببندازیم، متوجه خواهیم شد آمریکایی‌ها به دنبال راهی برای مهار چینی‌ها هستند و روسیه گویا مهره‌ای خوش رنگ ولعاب در این میان به حساب می‌آید. حال باید دید ناخدای روسیه ولادیمیر پوتین بادبان‌های روسیه را به کدام سمت برافراشته خواهد کرد؟

۱- تمایل روس‌ها به آمریکایی‌ها برای مهار چین
روسیه با اینکه در دوران جنگ سرد با ایالات متحده بر سر مسائل فضایی، نظامی، هسته‌ای و غیره در نزاع بوده است، اما اشتراکات زیادی هم با غربی‌ها دارد. **۱-۱- صنعت سرگرمی و هالیوود**
اگر نگاهی گذرا حتی به هالیوود، صنعت رسانه و سرگرمی در ایالات متحده ببیندازیم، به‌وضوح نقش روس تبارها در آن قابل احساس است. بسیاری از هنریشگان معروف هالیوودی تبار روس یا بلوک شرقی دارند. حتی مالکان کمپانی‌های عریض و طویل فیلم و انیمیشن‌سازی در کالیفرنیا، روس تبار و اصالتی بلوک شرقی دارند؛ مانند برادران وارنر صاحبان شرکت والت دیزنی.

۲-۱- صنعت فناوری و ارتباطات

بسیاری از کارآفرینان تکنولوژی‌های دیجیتالی و الکترونیکی در سیلیکون‌ولی و سانفرانسیسکو اصالتاً مهاجرانی از اروپای شرقی و روسیه هستند و نکته جالب اینکه این افراد عمدتاً دارای سرمایه فراوان و نقش پررنگی در کارآفرینی و تولید ثروت در جامعه آمریکا هستند. با نگاهی به شرکت‌هایی مانند اوراکل، گوگل، فیسبوک و توییتر می‌توان به نقش مهم مهاجران روس تبار پی برد.

۳-۱- صنعت مسکن و بانکداری در نیویورک

بسیاری از صاحبان املاک لوکس در محله منهتن نیویورک از ثروتمندان روس هستند. حتی نظام بانکداری اقتصادی جهان از نفوذ ثروتمندان اسلاو و مجارتبار بی‌نصیب



نمایندگان و سنای آمریکا تصویب شده بود، باعث خروج ۱۸ شرکت اروپایی از این پروژه شد. علاوه بر ترامپ، دولت بایدن نیز در ابتدا با این پروژه مخالف بودو از آلمان به‌خاطر همکاری در این پروژه انتقاد کرد و آن را خلاف منافع اروپایی‌ها خواند و حتی برخی کشورهای اروپایی از جمله فرانسه و هلند از آلمان خواسته بودند تا به ساخت این خط لوله گازی پایان بدهد، اما به یکباره ورق برگشت و دولت بایدن مخالفتش با اجرای این پروژه را متوقف کرد.

این رفتار دوستانه جو بایدن با همتای روس خود، می‌تواند پیام‌های زیادی در خود داشته باشد. آمریکای بایدن احتمالاً می‌خواهد توصیه هنری کیسینجر به دونالد ترامپ را محقق کند. کیسینجر که خودش در زمان ریچارد نیکسون پیشنهاد بهیود روابط واشنگتن و پکن در ۱۹۷۱ را داده، به ترامپ توصیه کرده بود برای مقابله با تهدیدات روزافزون چین، با روسیه همکاری کنند. این همان راهکاری است که کیسینجر در دهه ۱۹۷۰ برای بازدارندگی مقابل اتحاد جماهیر شوروی به کار گرفته بود.

ماه‌عسل بایدن با پوتین نشان می‌دهد آمریکایی‌ها قصد دارند با مهره روس‌ها به جنگ چینی‌ها بروند. این دو ابرقدرت و رقیب دیرینه سال‌های زیادی با یکدیگر مشغول جدال بوده‌اند و تنش‌هایی نیز بر سر منافع مشترک داشته‌اند. با این حال این دو کشور در بسیاری از مواقع برای حفظ منافع خود بر سر مسائل زیادی با یکدیگر مامشات کرده‌اند. اکنون که آمریکا به دنبال تقابل جدی با روسیه است، باید به این پرسش پاسخ داد که در تقابل واشنگتن- پکن، روس‌ها چه نقاط اشتراکی با چینی‌ها و غربی‌ها دارند؟



سهیل سیدجمالی

روزنامه‌نگار

این روزها بخش قابل توجهی از ذهن تحلیلگران مسائل بین‌المللی درگیر رقابت جهانی بین آمریکا و چین و نتیجه این رقابت است. نام چین، تقریباً از سال ۲۰۱۵ میلادی یعنی آغاز رقابت‌های انتخابات ریاست جمهوری آمریکا به‌صورت فزاینده‌ای بر سر زبان‌ها افتاد. دونالد ترامپ یکی از نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری در آن دوره به‌جای اینکه مثل دیگران از خطر روسیه، اسلام‌گرایان جهادی و تروریست‌ها بگوید، بر چین متمرکز شد. او با شعارهایی مثل «چین تمام صنایع را به سرقت می‌برد»، «چین حق مالکیت معنوی تکنولوژی آمریکایی را به رسمیت نمی‌شمارد»، «چینی‌ها با ما تراز اقتصادی منصفانه ندارند» و تکیه بر اینکه جهانی‌سازی در دوران جورج دبلیو بوش و باراک اوباما باعث تمام این مشکلات بوده است، پا به عرصه انتخابات گذاشت و توانست جمعیت کثیری از شهروندان ایالت‌های جنوبی، شمالی و حتی غرب میانه را با خود همراه سازد.

ترامپ با چنین دیدگاه‌هایی، پیروز انتخابات ریاست جمهوری شد. او همین سیاست را به کاخ سفید آورد و تقریباً تمام چهار سال دوران ریاست جمهوری‌اش را در جنگ اقتصادی و کشمکش‌های مالی و بازرگانی با چینی‌ها سپری کرد. امروز اما جو بایدن دموکرات که بسیاری از طرفداران ترامپ او را به مامشات با چینی‌ها متهم می‌کنند، در کاخ سفید مستقر است.

برخلاف تصورات هاداران دواآشنه دونالد ترامپ، به‌نظری می‌رسد خطر فزاینده چین برای دموکرات‌ها هم مشخص شده است، تا جایی که بایدن در اکثر سخنرانی‌های خود در طول این پنج‌ماه زمامداری، چین را بزرگ‌ترین خطر برای آینده ایالات متحده توصیف کرده است. جو بایدن نه تنها چین را خطر بزرگ اقتصادی می‌خواند، بلکه معتقد است امروز نبرد بین ایدئولوژیک دموکراسی غربی و تمامیت‌خواهی کمونیستی از نوع چینی آغاز شده است.

در این نبرد آمریکا تنها نیست و قاره اروپا، متحدین سنتی آمریکا در شرق آسیا مانند ژاپن و کره، گروه کوآد و حتی ناتو نقش کلیدی را در این تنش ایفا می‌کنند. ریشه‌های این تقابل به‌حدی توسعه یافته است که کشورهای عضو ناتو در نشست اخیر خود، از چین به‌عنوان «تهدیدی جدی و سیستماتیک» علیه آینده جهان نام بردند.

این ائتلاف بزرگ علیه چین، یک بازیگر کم دارد و آن روسیه است. مسکو در این تقابل می‌تواند تاثیرگذاری بسیار بسزایی داشته باشد. روسیه بیش از نیم قرن بزرگ‌ترین رقیب جهانی آمریکا بوده است، ولی امروزه نمی‌توان این کشور را با توجه به داشتن منابع عظیمی از انرژی و انبارهای مملو از کلاهک‌های جنگ‌افزارهای هسته‌ای، نادیده گرفت. چندماه قبل جو بایدن در مصاحبه‌ای تلویزیونی، ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه را «آدم کش» خطاب کرد و پوتین هم در پاسخ، نظام پیشرفته و ثروتمند غرب را حاصل «نسل‌کشی بومیان آمریکا» معرفی کرد. اما در دنیای سیاست حرف‌ها الزاماً با عمل سیاستمداران همخوانی ندارد. دو هفته گذشته چشم‌های جهان شاهد دیدار این دو رهبر با یکدیگر

در سوئیس بودند. در این نشست دو رئیس‌جمهور درمورد مسائل مهمی مانند جنگ‌های سایبری و حمله هک‌های روس به زیرساخت‌های شبکه کامپیوتری و صنعتی آمریکا، کنترل تسلیحات اتمی، موضوع آسمان‌باز و انتقال گاز توسط پروژه نورد استریم ۲ از روسیه به قلب اروپا بحث و گفت‌وگو کردند. در این دیدار جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا به ولادیمیر پوتین، همتای روس خود مجسمه‌ای کریستالی از یک گاومیش آمریکایی که تعبیر باشکوهی از باعظمت‌ترین پستاندار آمریکا و بیانگر قدرت، اتحاد و استقامت است، هدیه داد. بایدن همچنین یک جفت عینک آفتابی خلبانی ساخت شرکت راندولف اینجینیرینگ آمریکا را به پوتین هدیه کرد. راندولف اینجینیرینگ همان شرکتی است که در سال ۱۹۷۸ میلادی به ارتش آمریکا پیوست تا عینک‌های آفتابی مخصوص خلبان‌های جنگی تولید کند. از آن زمان تا کنون آنها در کارخانه‌شان در ماساچوست عینک‌های آفتابی بسیار باکیفیت و مقاومی را برای نیروهای ارتش آمریکا و شرکای ناتو ساخته‌اند.

بایدن در این دیدار درباره خط لوله انتقال انرژی (نورد استریم ۲) نرمش زیادی به خرج داده است و اخباری حاکی از لغو تحریم‌های آمریکا علیه این پروژه مخایره می‌شود. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور سابق آمریکا که مخالف اجرای این پروژه بود، قانونی وضع کرده بود تا شرکت‌هایی که در ساخت خط لوله انتقال گاز روسیه به آلمان فعالند، تحریم شوند. این قانون که با رای اکثریت قاطع مجلس

۹- یادداشت

افزایش تعداد اندیشمندان و سیاستمداران آمریکایی مخالف کمک‌های انبوه واشنگتن به تل‌آویو

حق با استفن والت است؛ روابطی که منفعت ندارد!

رژیم صهیونیستی و سیاست‌های آمریکا در غرب آسیا تمرکز دارد و مطابق ماموریتش؛ مطالبی که هر آمریکایی نیاز دارد درمورد فلسطین و رژیم صهیونیستی بدانند در وب‌سایت آن قید شده است. ۲. ریاست این انجمن را هم آلیسون ویبر، نویسنده و فعال سیاسی مشهور برعهده دارد.

علاوه بر این، طی سالیان اخیر این دیدگاه به‌طور ویژه در میان برخی سناتورها و نمایندگان کنگره آمریکا نیز به چشم می‌آید. از سناتورهای کهنه کاری چون برنی سندرز تا نمایندگان جوانی چون الکساندر کورتز، جمال بومن، رشیده طلیب، ایلهان عمر و کوری بوش؛ نمایندگانی که در جریان نبرد اخیر فلسطین- اسرائیل و بیرون راندن بسیاری از شهروندان فلسطینی از محله شیخ جراح، انتقادات فراوانی را به تل‌آویو وارد کردند و از لزوم اولویت قرار دادن مشکلات داخلی آمریکا سخن گفتند. به‌طور مثال، کوری بوش، نماینده ترقی‌خواه کنگره آمریکا، ماه قبل در توثیتی نوشته بود: «جنگ برای زندگی سیاه‌پوستان و نبرد برای آزادی فلسطین از یک جنس است. ما مخالف این هستیم که پول ما (بودجه آمریکا) برای تأمین بودجه پلیس‌های نظامی، اشغالگری و سیستم‌های سستمگر خرج شود. ما ضدجنگ هستیم، ما ضد اشغال هستیم و ما ضد آپارتاید هستیم.» ۴

در کنار همه این گروه‌ها و افراد منتقد، مطابق افکارسنجی



پ‌نوشت:

5- <https://ifamericansknew.org/stat/usaid.html>

6- <https://www.ers.usda.gov/publications/pub-details/?pubid=84972>

7- <https://endhomelessness.org/homelessness-in-america/homelessness-statistics/state-of-homelessness-report-legacy/#:~:text=There%20are%20an%20estimated%20553%2C742,people%20in%20the%20general%20population.>

1- <https://foreignpolicy.com/2021/05/27/its-time-to-end-the-special-relationship-with-israel/>

2- https://ifamericansknew.org/about_us/whowhere.html

3- <https://twitter.com/repcori/status/1392991612364591107?lang=en>

4- <https://ifamericansknew.org/stat/poll-aid.html>